



آبانسا

رامک

تابنده

سرشناسه	:	تابنده، رامک، ۱۳۵۴-
عنوان و نام پدیدآور	:	آبانسا/رامک تابنده..
مشخصات نشر	:	شیراز: حس هفتم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۲۳ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۸۶۱۲-۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	داستان های کوتاه فارسی — قرن ۱۴
موضوع	:	Short stories, Persian – 20th century
رده بندی کنگره	:	۸۴۳/۶۲
رده بندی دیویی	:	۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۴۶۰۲۷۰
وضعیت رکورد	:	فیبا

www.ketab.ir

عنوان کتاب: آبانسا
 مؤلف: رامک تابنده
 ویراستار: فیض شریفی
 ناشر: حس هفتم
 نوبت و سال چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۰
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۶۱۲-۱-۹
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۳۵/۰۰۰ تومان
 *حق چاپ محفوظ است

شعبه شیراز: خیابان زند، نبش بیست متری سینماسعدی
 تلفکس: ۰۷۱-۳۲۳۳۰۰ ۲۹۳-۳۲۳۵۴۴۲۲
 شعبه تهران: خیابان شهید بهشتی (عباس آباد)، خیابان قائم مقام، خیابان
 چهارم، پلاک ۱۵، طبقه ۴، واحد ۱۵ تلفکس: ۰۲۱-۸۸۷۵۹۴۹۰-۹۱
 www.hesehaftom.com @hese.haftom.pub



«فهرست»

۹	مقدمه	
۱۳	رؤیای ستاره	
۲۲	بهار زندگی	
۳۶	عشق یعنی	
۴۸	حریم امن رفاقت	
۶۱	قصه نرمک، بخش اول	
۷۳	قصه نرمک، بخش دوم	
۸۳	قصه نرمک، بخش سوم	
۹۰	قصه نرمک، بخش چهارم	
۹۸	پریسا	
۱۱۱	ماندانا	
۱۲۲	بی بی نبات	
۱۳۲	نازگل	
۱۴۴	یلدا	
۱۵۴	قصه چشمهایش	

۱۶۶ سمند ————— ❖ ————— ❖

۱۷۳ جادوی امید ————— ❖ ————— ❖

۱۸۴ معجزه عشق ————— ❖ ————— ❖

۱۹۳ خاطره یک رویا ————— ❖ ————— ❖

۲۰۰ آبانسا ————— ❖ ————— ❖

۲۱۲ فال غسل ————— ❖ ————— ❖

www.ketab.ir



مقدمه ای مرسوم بر کتاب مجموعه داستان "آبانسا" از رامک تابنده

"آبانسا" باید نام یک دختر باشد. کلمه ی "آبان" همان "آب" است و به معنی "ایزد نگهبان" است. خود "آبان" ماه هشت ام سال است و "سا" پسوند تشبیه است. بنابراین "آبانسا" باید به معنی "مثل ایزد نگهبان" باشد، یا کسی باشد که ایزد نگهبان، یار و یاور اوست.

"آبانسا" در داستان، حاصل یک عشق نافرجام است.

مادر عیاش "آبانسا"، دختر به پدر و امی گذارد و به دنبال عشق خود می رود.

پدر دختر می پذیرد و می گوید: "دختر ناز و دوست داشتنی ام که موی طلایی تیره و چشم هایی بسیار زیبا داشت، ملکه ی قلب و انگیزه ی زندگیم شد..."

پدر، "آبانسا امین"، پس از مدتی با دوست سابق اش "شبنم" ازدواج می کند تا این هردوان "آبانسا" را در کنف حمایت خود درآورند.

در پایان داستان، رامک تابنده از قول پدر آبانسا می نویسد که: "جادوی عشق نه نیاز جسم، بلکه قدرت بیکران دو روحه که یکی شدن شون زیباترین اتفاق دنیا و ورای هر سنت و چهارچوبیه... در مسلک من و شبنم عشق افلاتونی دردناک ترین رابطه ی دنیا نبود و عشق با درد عجین نبود. ماهیت عشق، برتر از وصال معشوق بود و دلیلی برای لذت بردن من و او از لحظات ناب زندگی... به قول مولانا:

ما عاشق عشقیم که عشق است نجات

جان چو خضر است و عشق چون آب حیات

وای آن که ندارد از شه عشق برات

حیوان چه خبر دارد از کان نبات .

و این، تمام باور من بود ."

نویسنده با آوردن دو بیت از مولانا، و "عشق آب حیات"، "آبانسا" و شخصیت اصلی داستان "کیوان امین" را به همسرش "شبنم" پیوند زده است.

رامک تابنده در دوازده داستان کوتاه این مجموعه، با زبانی نرم و ولرم و مادرانه و در عین حال محاوره گونه، از زبان راوی مرد و زن، به روایت می پردازد تا با عشق افلاتونی و مولانایی، پودر آرامشی بر سلسله اعصاب خراب شخصیت های داستان هایش پاشد .

اس و اساس تمامی داستان های رامک تابنده را می توان در این بیت بیدل دهلوی پیدا کرد:

مگذار که دل در تپش یاس بمیرد قربان تو قربان تو قربان تو باشد.